



۰۹/۰۳/۲۰۱۵

فرهاد لیبیب

## دو یادداشت و یک موضوع در ارتباط با اطلاعات آقای صمد از هر

در این اواخر باز هم موضوع کشته شدن و کودتای منصوب به "محمد هاشم میوندوال" صدراعظم سابق افغانستان، در نشرات بیرونی داغ شده است. باری! هر گاهی که با نام و داستان کودتای منصوب به "میوندوال" برمخورم، یکباره چهره و یاد آن نابود شده گانی در ذهنم تداعی میگردد، که در هشتم و یازدهم جوزای (1358 هـ ش) از زندان پلچرخ کشیده شدند و سر به نیست گردیدند. همچنان وقتی نامی از "صمد ازهر" میشنوم و یا به چشم میخورم، بیاد آنمی می افتم که ایشان لستی را در صبح شانزدهم جدی 1358 روز "عفو عمومی زندانیان سیاسی" در بلاک دوم زندان پلچرخ خواندند.

این هم داستان آن دو رویداد:

### خاطره نخست:

بعد از سپری نمودن مدتی در زندان پلچرخ و آشنایی اندکی با چار طرف (اواخر سال 57 و اوایل 58) متوجه شدم که در همین بلاک دوم زندان یک تعداد زندانیان زمان داوود خان محبوس میباشند، که دیگران آنها را "میوندوالی و اخوانی" میخوانند. اینها بعد از کودتای هفتم ثور خلاف ادعای رژیم کودتا، که میگفت "همه زندانیان رژیم قبلی آزاد شده اند"، همچنان به زندان نگهداشته شده بودند، که بعد از کوتاه مدتی، از محبس دهمزنگ به زندان پلچرخ منتقل شده بودند.

تعداد دقیق هر دو گروه (اخوانی چه تعداد و میوندوالی چه تعداد) برای من هنوز معلوم نیست، اما اگر تخمینی آن جمعیت را در نظر آورد، آن ها را میتوان بالای صد نفر تخمین کرد که بین شصت تا هفتاد فیصد آنها اخوانی و متباقی به اصطلاح میوندوالی بودند.

همه این تعداد (به غیر از یکفرصاحب منصب که نامش را نمی دانم) (1) به تاریخ هشتم و یازدهم جوزای 1358 از سلول های زندان خارج و سر به نیست گردیدند.

در بین آنانی که اخوانی ها نامیده میشوند، دو نفر زندانی جنایی نیز دیده میشد که دوسیه های آنها در طول زندان با اخوانی ها مرتبط شده بود.

این دو نفر یکی "صدیق قندهار" (2) و دومی "نور افشار" بود، که این هر دو نیز با آنها به تاریخ یازدهم جوزا سر به نیست گردیدند.

(قابل یاد آوریست که تمامی زندانیان جنایی زمان داوود خان از طرف رژیم کودتا قبلاً آزاد ساخته شده بودند، به غیر از همین دو نفر)

باری من در طول این مدت دائماً از خود پرسیده ام که:

1- اینها همان افرادی بودند که به اصطلاح در کودتای منصوب به میوندوال گرفتار و نام و جزای آنها در لست های قبلی منتشر شده است؟ و یا غیر از آنها؟ که به همین نام بعد ها گرفتار و کشته شدند؟

2- اگر اینها همان های هستند که در زمان محمد داوود خان، به اصطلاح محاکمه شده و مدت حبس آنها تعیین گردیده بود، پس به کدام گناه رژیم فعلی آنها را به زندان نگهداشته و همه آنها را سر به نیست نمود؟

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

3- آیا بعد از دقت در این حرکات، انسان بدین باور نمی رسد که این دسیسه نخست در زمان داوودخان، توسط وابستگان شوروی سازمان داده شد و در وقت حکومت آنها همان افراد نابود ساخته شدند؟

جنایت گماشتگان روس با منظور از بین بردن زندانیان رژیم گذشته، خلاف تمامی موازین حقوقی و اخلاقی بود که با چنان بی پروایی توسط آنها عملی گردید. جنایتی که در تاریخ سرزمین ما و شاید هم جهان سابقه نداشته است. تا جاییکه حافظه پاری میکند، در بین اینها حتی از اعضای یک فامیل چهار برادر هم بودند. بطور مثال از جمله پسران "وکیل قیوم" پنجشیری سه برادر در هشتم جوزا و برادر چهارمی در یازدهم جوزا از زندان بیرون و سر به نیست گردید. یا هم دو برادر "سید اکبر و سید عمر" که سید عمر در هشتم جوزا و سید اکبر در یازدهم جوزا از بین برده شد. (سید اکبر همان مردیست که سید عبدالله قومندان محبس را موقعیکه او را برای اعدام از اطاق خارج میکرد با ضربات چاقو زخمی نمود.) قابل یاد آوریست که در بین همین نگهداشته شدگان در زندان، کسانی هم بودند که مدت حبس خود را سپری کرده و قانوناً باید رها میشدند، اما نه تنها چنین نشد، بلکه بعد از سپری نمودن مدت حبس خود نیز سر به نیست گردیدند. مثال: "آقای فصیح" از یکاوانگ ولایت بامیان که مدت حبسش تمام شده بود. موصوف تقریباً یکماه قبل عریضه ترتیب و به قوماندانی محبس تقدم کرده و خواهان آزادی خود شده بود. به هر حال سوالات و حدسیات فوق دایم ذهنم را بخود مشغول ساخته است که امید است توسط پژوهشگران کشور پاسخ روشن بیابند.

### خاطره دوم:

میدانیم که تجاوز نظامی روسها در ششم جدی سال 1358 هـ.ش صورت گرفت. آنها در همان شب بعد از تسلط بر زندان پلچرخی، بلند پایگان حزب وابسته بخود را از محبس خارج ساختند. متباقی اعضای این گروه، بروز شنبه هشتم جدی از زندان خارج ساخته شدند، این تعداد در همین کوتاه مدت است دقیقی به امر رهبران خویش از زندانیان غیر خود ترتیب دادند. نا گفته نماند که آنها در روز رهایی خود یک تعداد زندانیان، ظاهراً غیرحزبی را نیز با خود از زندان خارج ساختند. (در باره این زندانیان قصه ها و چشمدیدهای زیادی وجود دارد که در جایش بدان پرداخته خواهد شد) بعد از خروج کامل پرچمی ها و هواداران شان به اصطلاح آنها "بی طرفها" متباقی زندانیان در محبس پلچرخی نگهداشته شدند.

بعد از این همه جریانات از هشتم تا تاریخ شانزدهم جدی، پیوسته از رادیو و نشرات حکومتی اعلام میشد که به تاریخ شانزدهم جدی ساعت نه صبح، تمامی زندانیان از زندان رها شده و از فامیل های آنها دعوت میگردد که برای مشایعت و ابستگان زندانی خود به پلچرخی بروند. این اعلان بصورت مکرر شب و روز از رسانه های جمعی بخش میشد.

صبح روز شانزدهم جدی آغاز شد. صبحی که هم زندانیان در داخل آماده بیرون شدن بودند و هم وابستگان آنها در خارج زندان با دنیا ی آرزو منتظر آنها.

در همین اوضاع و احوال که محبوسین در داخل سلول ها منتظر باز شدن دروازه های زندان بودند، که صدای "صمد ازهر" از دهلیز زندان (بلاک دوم منزل اول) بگوش ها رسید که لستی را میخواند تا افراد نامبرده از اطاق ها خارج شوند.

خواندن این لست تعدادی را شوکه نمود... از فحوی صحبت های آقای "ازهر" معلوم میشد که تعدادی از شاملین این لست، از شرایط خاص بوجود آمده در زندان، خود را میان دوستان زندانی خود، در اطاق های دیگر مخفی نموده اند و صمد ازهر نتوانسته است که آنها را از میان دیگران بیابد. لهذا با تحکم میگفت که "اگر این چند نفر (شامل لست) خود را آشکار نسازند و یا دیگران آنها را افشا نکنند، دروازه های زندان بروی هیچکسی باز نخواهد شد."

(شاید عین کلمات را فراموش کرده باشم اما معنی آن همین طور است)

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

آقای "صمد ازهر" مکرراً میگفت که اگر این سیزده نفر متباقی پیدا نشود، دروازه زندان باز نمی گردد. این موضوع زمان موعود (باز شدن زندان) را که ساعت 9 صبح تعیین شده بود، طولانی ساخت. همچنانکه زندانیان در داخل در مانده و بی حوصله در انتظار بودند، قرار صحبت های وابستگان زندانیان که در عقب دروازه زندان و دشت اطراف آن منتظر رهایی عزیزان خود بودند، آنها از طولانی شدن زمان و باز نشدن درب زندان عصبانی، بی حوصله و هیجانی شده بودند، آنها به دروازه زندان هجوم برده و خواهان آزادی فوری زندانیان شده بودند، این حرکت مسؤلین را سر اسیمه ساخته بود. در همین اثنا یک هلیکوپتر نظامی برای حفظ متقدم و بالای زندان به پرواز در آمد.

خلاصه اینکه با تأخیر تقریباً دو ساعت، بخاطر پیدا نشدن سیزده نفر ( خدا کند که تعداد را اشتباه نکرده باشم ) شامل لست، در اثر اصرار و فشار وابستگان زندانیان از بیرون، نماینده های رژیم وابسته به روس مجبور شدند که دروازه های زندان را باز کرده و متباقی زندانیان از آنجا خارج شوند.

&&&

بر علاوه این موضوعات، سالهاست که ذهنم را این سوالات نیز بخود مشغول ساخته، که:

- در این لست نام چه تعداد زندانیان درج بود؟
  - آنها به کدام معیار شامل این لست گردیده بودند؟
  - بعد از جدا ساختن از دیگر زندانیان، آنها به چه سر نوشتی دچار گردیدند؟
- مطمین هستم که جواب این سوالات نزد آقای صمد ازهر موجود می باشد، که تا حال نا گفته مانده است. در پایان این نوشته نکته ای را به صراحت و صداقت به عرض خوانندگان میرسانم اینکه: در نوشتن و بیان چنین خاطرات هیچگونه کدورت و مسایل شخصی دخیل نمی باشد .
- چی اینجانب نه با آن رفتگان بی کفن رابطه خونی دارم، و نه با آقای "ازهر" کدام شناخت و یا دشمنی شخصی . فقط و فقط آرزو روشن ماندن حقایق تاریخ است، که امکان فراموشی و مسخ آن در این آشفته بازار درد انگیز دور از امکان نمیباشد .

---

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ